

Formulation of training protocol for treating with children of divorce for mothers and its effect on the mothers' behavior

Afsane Gholami. M.A

Educational Psychology, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

Khosro Rashid. Ph.D

Associate professor, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

Mosayyeb Yarmohammadi. Ph.D

Associate professor, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

Abstract

The aim of this study was formulating a training protocol for treating with children of divorce for the mothers and examining its effect on the mothers' behavior. In this experimental pre-test and post-test with control group research design, by use of purposive sampling method, 40 divorced women with 6-12 years old children were chosen and randomly were assigned to experimental and control groups (20 of each). After answering the questionnaires as pre-test, 12 training sessions was held for the experimental group during four continuous weeks, three days a week, while the control group received no intervention. The instruments consisted of five questionnaires: State-Trait Anger Expression Inventory (STAXI), Spielberger State-Trait Anxiety Inventory, Kogler & Jones Guilt Inventory, Bell adjustment Questionnaire, and Burn Family Emotional Condition Questionnaire. For analyzing the data, descriptive statistics such as frequency, mean, and standard deviation were used, and for testing research hypothesis covariance analysis was used. The results showed that the difference between the experimental and control group's mean were meaningful ($P < 0.001$). According to findings it could be concluded that the designed protocol can improve the psychological state of the children of divorce by establishing a positive change in their mother's behavior.

Keywords: educational package, children of the divorce, divorced mothers

تدوین پروتکل آموزشی رفتار با کودکان طلاق به مادران‌انسان و اثر آن بر رفتار مادران

افسانه غلامی

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

خسرو رشید*

دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

مسئوب یارمحمدی

دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

چکیده

این پژوهش با هدف تهیه پروتکل آموزشی رفتار با کودکان طلاق، ویژه مادران، انجام شد. در این پژوهش آزمایشی که از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود، روش نمونه‌گیری از جامعه در دسترس انتخاب و پس از انتساب تصادفی آزمودنی‌ها به دو گروه کنترل و آزمایش، تعداد مادران طلاق ۴۰ نفر (۲۰ نفر گروه آزمایش، ۲۰ نفر گروه کنترل) که دارای کودک ۶-۱۲ سال بودند را شامل می‌شد. برای گروه آزمایش ۱۲ جلسه برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق طی ۴ هفته متوالی و سه روز در هفته برگزار شد و گروه کنترل هیچ مداخله‌ای دریافت نکردند. در این پژوهش از این پرسشنامه‌ها سود برده شد: پرسشنامه خشم اسپیلبرگ (۱۹۹۹)، پرسشنامه اضطراب حالت-صفت اسپیلبرگ (۱۹۸۹)، پرسشنامه احساس گناه کوگلر و جونز (۲۰۰۰)، پرسشنامه سازگاری بل (۱۹۳۴) و پرسشنامه جو عاطفی خانواده هیل برن (۱۹۶۴). برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از تحلیل کوواریانس تک‌متغیره استفاده شد. بررسی نتایج نشان داد که تفاوت بین میانگین‌های گروه آزمایش و کنترل معنادار بود ($p < 0.001$). بر اساس یافته‌های پژوهش، پروتکل آموزشی طراحی شده می‌تواند با تغییر مثبت رفتار مادران کودکان طلاق، باعث بهبود وضعیت روانی این کودکان شود.

واژه‌های کلیدی: بسته آموزشی، کودکان طلاق، مادران طلاق

* نویسنده مسئول: khosrorashid@yahoo.com

مقدمه

همچنین تحقیقات نشان می‌دهد که میزان رشد عاطفی و اجتماعی کودکانی که در خانواده‌های طلاق بزرگ می‌شوند، معمولاً در مقایسه با سایر کودکانی که در خانواده‌های عادی رشد می‌کنند، کمتر است (مک کاب^۱، ۲۰۰۹). هترینگتون در مطالعات خود در سال ۱۹۷۹ صریحاً نتیجه‌گیری می‌کند که کودکان خانواده‌های تک‌والدی که تنها به وسیلهٔ مادر اداره می‌شوند استرس روانی، مشکلات شخصیتی، مشکلات مدرسه، پرخاشگری و عدم سازگاری با گروه هم‌سن بیشتری در مقایسه با سایر کودکان را دارند. (مرادویسی، ۱۳۸۰). برای کودکان طلاق غیرمعمول نیست که خشم^۱، غمگینی، اضطراب^{۱۱}، رهاشدگی، تنهایی و خارج از کنترل بودن را تجربه کنند (فریمن^{۱۲}، ۲۰۱۳). همچنین به‌طور کلی مشکلاتی که طلاق والدین برای کودکان ایجاد می‌کند عبارت‌اند از: از بین رفتن سازگاری (نصر اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۰؛ حبیبی و ساجدی، ۱۳۸۶)، احساس گناه^{۱۳}، اجتماعی بودن کم، کناره‌گیری زیاد، افسردگی، اعتمادبه‌نفس کم (پرتی^{۱۴}، ۲۰۰۹)؛ اضطراب و خشم (اسپیگرمن و همکاران^{۱۵}، ۲۰۱۰)؛ مشکلات عاطفی و رفتاری (برنتانو و کلارک- استوارت، ۲۰۱۱)، غمگینی، تنهایی و عزت‌نفس پایین (کیم، ۲۰۱۴).

مطالعهٔ استراج^{۱۶} (۱۹۹۱) نیز تأثیر معنادار برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق را بر کاهش اضطراب کودکان طلاق تأیید کرد. در مطالعهٔ دیگری که توسط بوسا و وایلد^{۱۷} (۲۰۱۴) صورت گرفت، نتایج نشان داد برنامهٔ مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق توانسته است تا حد زیادی عقاید نادرست کودکان را دربارهٔ طلاق تغییر دهد و از اضطراب آن‌ها بکاهد. پژوهش‌های دیگری که در زمینهٔ اثرات مداخلات گروهی در مورد طلاق انجام شده‌اند نیز نشان دادند این برنامه‌ها به دلیل ماهیت گروهی‌شان توانسته‌اند زمینه را برای از انزوای خارج شدن این دسته از کودکان فراهم آورند تا دریابند که در چنین تجربه‌ای تنها نیستند و از این‌رو اضطراب و افسردگی و خلق منفی آن‌ها کاهش پیدا کرده است (گیلمن، شنایدر و شولاک، ۲۰۰۵).

متفکران و جامعه‌شناسان، طلاق^۱ را یکی از آسیب‌های اجتماعی به‌شمار می‌آورند. جدایی برای اعضای خانواده یک عامل استرس‌زای بسیار قوی است که هم والدین و هم فرزندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بهزیستی روان‌شناختی آن‌ها را به شدت کاهش می‌دهد. تحقیقات زیادی روی کودکان طلاق انجام شده و نتایج این تحقیقات نشان از تداوم تأثیرات نامطلوب طلاق تا سنین بالا دارد (بری، استویلیس و دونوان^۲، ۲۰۱۰).

طلاق از مهم‌ترین پدیده‌های حیات انسانی به‌شمار می‌آید که نه فقط تعادل روانی دو انسان، بلکه تعادل روانی فرزندان، بستگان، دوستان و نزدیکان را نیز به هم می‌ریزد (ساروخانی، ۱۳۸۹، نقل از ناظمی‌زاده، ۱۳۹۱) در این میان یکی از قربانیان اصلی پیامدهای ناشی از طلاق والدین، کودکان هستند. با توجه به تحقیقات انجام‌شده، عدم سازگاری کودکان با طلاق والدینشان می‌تواند اثرات زیان‌بار و مخربی بر کارکرد روان‌شناختی و حتی وضعیت جسمانی آن‌ها داشته باشد (بریور^۳، ۲۰۱۰).

اغلب تحقیقات روی کودکان طلاق در دههٔ ۱۹۷۰ آغاز شده است (پاملا و گایل^۴، ۱۹۹۸). مطالعات نشان می‌دهد که کودکان خانواده‌های مطلقه نسبت به کودکان خانواده‌های عادی، دارای مشکلات عاطفی، رفتاری و تحصیلی بیشتری هستند و از سلامت روانی^۵ کمتری برخوردارند. همچنین آن‌ها موفقیت‌های تحصیلی کمتری کسب می‌کنند، ناسازگاری‌های روان‌شناختی بیشتری از خود بروز می‌دهند و عزت‌نفس پایین و مشکلات اجتماعی بیشتری دارند (کلی^۶، ۲۰۱۲). مطالعات مختلف نشان داده است که این کودکان نسبت به سایر کودکان هم‌سن‌وسال خود از لحاظ اجتماعی، عاطفی و تحصیلی در رتبه پایین‌تری قرار می‌گیرند (آماتو^۷، ۲۰۱۱). بررسی نتایج یک مطالعه فراتحلیل نشان داد که کودکان خانواده‌های طلاق از مشکلات عاطفی و رفتاری بیشتری برخوردارند (برنتانو و کلارک- استوارت^۸، ۲۰۱۱).

1. divorce
3. Brewer
5. mental health
7. Amato
9. McCabe
11. Anxiety
13. Guilt Emotion
15. Spigerman & et all
17. Bowsa & waild

2. Berry, Stoyles & Donovan
4. Pamla & Gail
6. Kelly Joan B
8. Brentano, C & Clarrke- Stewart, A
10. Anger
12. Frieman
14. Pretty
16. Astraoch

پایین فرزندان منجر می‌شود. هریس (۲۰۰۹) به این نتیجه دست یافت که یکی از عوامل اساسی در تربیت فرزندان، ایجاد سلامت روانی در آن‌هاست. اگر زمینه سلامت روانی در خانواده ایجاد شود، والدین، فرزندان با شخصیت متعادل، سازگار، باعاطفه، اجتماعی، با اعتمادبه‌نفس، مسؤولیت‌پذیر و منطقی خواهند داشت. بل و دزوریل (۲۰۰۹)، نزو و نزو (۲۰۱۳) و پیرس و گان (۲۰۱۱) دریافتند آموزش مهارت حل مسئله^۳ می‌تواند ناسازگاری عاطفی را کاهش دهد و روش مؤثری برای کاهش میزان افسردگی، ناامیدی و بهبود مهارت‌های مقابله‌ای نوجوان و افراد اقدام‌کننده به خودکشی است. جوناسن (۲۰۰۷) دریافت مهارت حل مسئله بر میزان سازگاری کلی و سازگاری اجتماعی و آموزشی دختری نوجوان پس از گذشت دو ماه همچنان باقی است و اثر مثبتی داشته است.

برناردلی (۲۰۱۱) در یافته‌های خود به این نتیجه رسید که آموزش صحبت کردن و مذاکره^۴ در مورد جدایی والدین با کودکان باعث کاهش احساس گناه در کودکان و نوجوانان می‌شود و یک سازگاری کلی را در آن‌ها ایجاد می‌کند. زیوری (۱۳۸۹) نشان داد که ساخت خانواده (بالنده، آشفته) بر سلامت روان فرزندان مؤثر است. قادری (۱۳۸۷) دریافت اجرای الگوی خانواده‌درمانی ستیر بر کاهش تعارض‌های خانوادگی و افزایش سازگاری خانواده و ابراز محبت مؤثر است. عباسی‌نیا (۱۳۸۲) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که آموزش خانواده در افزایش آگاهی، نگرش و رفتار والدین و در نتیجه اصلاح رفتار فرزندان مؤثر است.

شیرودی خلعتبری، تودار، مبلغی و صالحی (۱۳۸۹) دریافتند آموزش مهارت حل مسئله باعث کاهش ناسازگاری و پرخاشگری نوجوانان دختر دبیرستانی می‌شود. والدین در پی آن هستند که فرزندان کمترین آسیب را در زمینه طلاق تجربه کنند، اما اطلاعات کافی درباره رفتار و برخورد با کودکان را ندارند و از سردرگمی و ابهام رنج می‌برند. لذا ما در اینجا برای رفتار مناسب مادران با کودکان طلاق، آموزش‌هایی به منظور توانمندسازی مادران در این زمینه ارائه می‌دهیم، همچنین تاکنون بسته آموزشی مدونی در این زمینه با توجه به مشکلات این کودکان وجود ندارد و از سوی

آپرت گیلیس، پدروکارول و کوئن (۱۹۹۷) نیز بررسی اثربخشی برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق^۱ را روی کودکان دبستانی بررسی کردند و نشان دادند پس از اجرای این مداخله، علاوه بر اینکه سازگاری^۲ این کودکان با طلاق والدینشان افزایش یافته بود، عواطف و نگرش‌هایشان نسبت به مسئله طلاق نیز بهبود یافته بود که این خود به کاهش مشکلات هیجانی و رفتاری آن‌ها منجر شده بود. پژوهش‌های دیگری نیز خاطر نشان می‌کنند که اجرای برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق روی کودکان دبستانی بر کاهش مشکلات رفتاری، پرخاشگری و مشکلات برونی‌سازی شده آن‌ها تأثیر بسزایی دارد (پدروکارول، ۲۰۰۵؛ پدرو کارول، ساتن و ویمن، ۱۹۹۹).

در پژوهشی دیگر ولچیک، سندلر، میل‌سپ، پلومر، گرین و همکاران (۲۰۰۶) نشان دادند که برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق توانسته است باعث بهبود مشکلات رفتاری کودکان طلاق از جمله پرخاشگری و نافرمانی شود. پژوهش‌های دورهام (۲۰۰۲)، باتلر و همکاران (۱۹۹۱)، لیندزی و همکاران (۱۹۸۷) در درمان بیماران مبتلا به اختلال اضطراب و اضطراب فراگیر نشان داد که درمان‌های شناختی- رفتاری مؤثرتر و کارآمدتر از درمان‌های دارویی هستند. این پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که درمان‌های شناختی- رفتاری برای درمان اختلال اضطراب و اضطراب فراگیر، تأثیر مطلوبی روی کاهش اضطراب و افکار نگران‌کننده می‌گذارد و آثار سودمند آن پس از یک دوره پیگیری ۶-۱۲ ماهه ادامه می‌یابد (مطلق و اسدی، ۱۳۸۸). نتایج تحقیقات بروباچر (۲۰۰۶) اثربخشی الگوی ستیر در آگاهی، رهاسازی و ابراز هیجانات سرکوب شده را تأیید کرد.

نتایج پژوهش هوایرست و همکاران (۲۰۱۰) نشان داد که برنامه‌های مداخله‌ای برای آموزش والدین در بهبودبخشی سبک‌های ارتباطی و عاطفی با فرزندان مؤثر است. نکاری و هارتر (۱۹۹۴) و ستیر (۱۹۹۱) در تحقیقات خود نشان دادند که نوع ارتباط و حمایت والدین رابطه‌ی زیادی با عزت‌نفس فرزندان دارد، این به آن معناست که ارتباط همخوان و کارآمد والدین با فرزندان به عزت‌نفس بالای فرزندان و ارتباط ضعیف و ناهمخوان والدین با آن‌ها به عزت‌نفس

1. Children of Divorce Intervention Program (CODIP)
3. problem solving skills

2. adjustment
4. Negotiating & communicating

کودک)؛ ۳. کودکشان تحت حضانت مادر باشد؛ ۴. با رضایت و تمایل در این برنامه شرکت کرده باشند.

ابزار سنجش

پنج پرسشنامه در این پژوهش به کار برده شد که برخی از آن‌ها به صورت کامل و برخی نیز با توجه به نیاز پژوهش از روی پرسشنامه‌های موجود فراهم شدند. شکل پاسخگویی پرسشنامه‌ها به گونه‌ای تغییر یافت که مادران بتوانند کودکان را در هر یک از ویژگی‌های مورد بررسی ارزیابی کنند. این پرسشنامه‌ها عبارت‌اند از:

پرسشنامه خشم اسپیلبرگر^۱ (STAXI-2) (۱۹۹۹): اصل این پرسشنامه ۵۷ سؤالی است که با توجه به هدف پژوهش در این پژوهش ۱۰ تا از پرسش‌های مربوط به کنترل خشم انتخاب و اجرا شدند. ضریب آلفای این آزمون بر اساس پژوهش‌های گذشته ۰/۷۳ تا ۰/۸۴ گزارش شده است. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۲ به دست آمد. دو نمونه از پرسش‌های این پرسشنامه عبارت‌اند از: ۱. وقتی عصبانی می‌شود، هر چه از دهانش در بیاید، می‌گوید؛ و ۲. از فرط خشم به خودش و دیگران آسیب می‌زند.

پرسشنامه اضطراب حالت اسپیلبرگر (۱۹۸۹): اصل این پرسشنامه ۴۰ سؤالی است که با توجه به هدف پژوهش، در این پژوهش ۱۰ تا از پرسش‌های مربوط به اضطراب آشکار انتخاب و اجرا شدند. ضریب آلفای این آزمون بر اساس پژوهش‌های گذشته ۰/۷۹ تا ۰/۸۳ گزارش شده است. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۴ به دست آمد. دو نمونه از پرسش‌های این پرسشنامه عبارت‌اند از: ۱. بی‌قرار است؛ و ۲. هول و دستپاچه است.

پرسشنامه جو عاطفی خانواده هیل برن^۲ (۱۹۶۴): این پرسشنامه ۸ خرده‌مقیاس و برای هر یک، دو سؤال دارد. این پرسشنامه به صورت کامل اجرا شد. ضریب آلفای این آزمون بر اساس پژوهش‌های گذشته ۰/۸۷ گزارش شده است. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۵ به دست آمد. دو نمونه از پرسش‌های این پرسشنامه عبارت‌اند از: ۱. پدرش با محبت به او رفتار می‌کند؛ و ۲. من و فرزندم آزادانه درباره احساسات شخصی و تجربه‌هایمان با هم حرف می‌زنیم.

دیگر کتاب‌های متعددی درباره طلاق و اثرات آن بر کودکان تألیف شده است، اما کمتر می‌توان محتوای آموزشی مدونی درباره آموزش بهینه رفتار با کودکان طلاق پیدا کرد. لذا نیاز به تهیه محتوای آموزشی مناسب، ضروری به نظر می‌رسد.

با توجه به اینکه از بین مشکلات کودکان طلاق ناسازگاری، اضطراب، خشم، نیاز عاطفی و احساس گناه در پژوهش‌های گوناگون بیش از بقیه تکرار و مهم تلقی شده‌اند و نیاز مادران به عنوان مراقبان اصلی این کودکان، این پژوهش به دنبال تهیه پروتکل رفتار با کودکان طلاق ویژه مادران است. در واقع مسئله اساسی این پژوهش این است که آیا با ساخت یک پروتکل می‌توان به مادران کمک کرد که رفتار مناسب‌تر و بهتری با کودکان طلاق داشته باشند یا نه؟ بر این اساس، فرضیه پژوهش این است که پروتکل آموزشی رفتار با کودکان طلاق ویژه مادران باعث افزایش آگاهی مادرانشان در زمینه چگونگی برخورد با کودکانشان می‌شود.

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: روش مورد استفاده در این پژوهش نیمه‌آزمایشی بود که در آن از طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش شامل همه زنان مطلقه تحت پوشش سازمان بهزیستی شهر همدان بود که به مراکز مددکاری سازمان بهزیستی مراجعه می‌کردند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش روش در دسترس بود و شامل زنانی که در کلینیک‌های مددکاری سازمان بهزیستی شهر همدان تحت حمایت هستند، بود. در بررسی‌های آزمایشی برای هر یک از زیرگروه‌ها دست‌کم ۱۵ تن را مناسب دانسته‌اند (دلاور، ۱۳۹۳)، اما با توجه به امکان افت آزمودنی‌ها و با در نظر گرفتن ملاک ورود و خروج حجم نمونه‌ها ۴۰ نفر انتخاب شدند که با روش تصادفی در دو گروه ۲۰ تایی که شامل دو گروه آزمایش و کنترل بود، قرار گرفتند. ملاک ورود و خروج افراد از طریق یک مصاحبه مقدماتی مشخص شد و مادرانی که واجد شرایط بودند برای ادامه فرآیند پژوهش انتخاب شدند: ۱. طلاق گرفته باشند (بدون در نظر گرفتن مدت‌زمان طلاق آن‌ها از یکدیگر)؛ ۲. محدوده سنی کودک آن‌ها بین ۶ تا ۱۲ سال باشد (بدون در نظر گرفتن جنسیت

روش اجرا و تحلیل داده‌ها

برای انجام پژوهش، پس از پیگیری‌های لازم، نمونه‌های مورد نیاز از میان زنان مطلقه دارای فرزند که به یکی از کلینیک‌های مددکاری آماده همکاری مراجعه کرده بودند، انتخاب و پس از جلب مشارکتشان از آنان برای شرکت در جلسات آموزشی این پژوهش دعوت به عمل آمد و جلسات آموزشی طی ۱۲ جلسه برای آن‌ها برگزار شد. برای این منظور، با مراجعه به کلینیک مربوطه و پس از انتساب تصادفی آزمودنی‌ها به دو گروه کنترل و آزمایش پرسشنامه‌ها به‌عنوان پیش‌آزمون از سوی آنان تکمیل شد. پس از اجرای پیش‌آزمون، برای افزایش آگاهی مادران از چگونگی برخورد با مسائل پنج‌گانه مورد بررسی در این پژوهش، برنامه آموزش رفتار با کودک طلاق به مدت ۱۲ جلسه و به‌صورت سه روز در هفته و به مدت ۴۵ دقیقه برای گروه آزمایش اجرا شد و در پایان نیز به‌منظور مقایسه اثر این مداخله از هر دو گروه پس‌آزمون گرفته شد.

روش تهیه پروتکل آموزشی: در روش تهیه پروتکل آموزشی ابتدا بر اساس تحقیقات و مبانی نظری موجود ویژگی‌های بارز کودکان طلاق را که اساسی‌ترین مشکل این کودکان بودند مشخص شد، سپس به تهیه یک پروتکل که شامل پنج مؤلفه سازگاری، اضطراب، نیاز عاطفی، خشم و احساس گناه است پرداختیم. در طی ۱۲ جلسه این پنج مؤلفه را که مشکلات اساسی و بارز کودکان طلاق است به مادران طلاق و برخورد آگاهانه با آنان را آموزش می‌دهیم. در ابتدا هر یک از این مؤلفه‌ها را که به‌عنوان مشکل، مطرح شده است بیان می‌شود و سپس راهکار مقابله‌ای و حل این مشکل را نیز آموزش می‌دهیم. در این جلسات هدف از آموزش، مدیریت این مؤلفه‌هاست، طوری که در آخر این جلسات مادران باید توانایی این را داشته باشند که با آگاهی لازم نسبت به کودکانشان عمل کنند به‌طوری‌که کودکانشان به سازگاری نسبی دست یابند، نیازهای عاطفی آن‌ها تأمین شود و بتوانند احساس گناه، خشم و اضطراب کودک خود را مدیریت کنند و عواقب ناشی از این ویژگی را به حداقل برسانند.

پرسشنامه احساس گناه کوگلر و جونز^۱ (۲۰۰۰): اصل این پرسشنامه ۴۵ سؤالی است و سه خرده‌مقیاس دارد که با توجه به هدف پژوهش، در این پژوهش ۱۴ تا از پرسش‌های مربوط به احساس گناه انتخاب و اجرا شدند. ضریب آلفای این آزمون بر اساس پرسش‌های گذشته ۰/۷۲ تا ۰/۸۱ گزارش شده است. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۰ به دست آمد. دو نمونه از پرسش‌های این پرسشنامه عبارت‌اند از: ۱. برایش مشکل است که با غریبه‌ها حرف بزند؛ و ۲. وقتی نیاز شخصی دارد، راحت با دیگران مطرح می‌کند.

پرسشنامه سازگاری بل^۲ (۱۹۳۴): اصل این پرسشنامه ۳۲ سؤالی است و پنج مؤلفه دارد که با توجه به هدف پژوهش، در این پژوهش ۱۰ تا از پرسش‌های مربوط به سازگاری عاطفی و اجتماعی انتخاب و اجرا شدند. ضریب آلفای این آزمون بر اساس پرسش‌های گذشته ۰/۸۴ و در این پژوهش ضریب ۰/۷۸ به دست آمد. دو نمونه از پرسش‌های این پرسشنامه عبارت‌اند از: ۱. او می‌گوید که اشتباهات زیادی در زندگی‌اش مرتکب شده است؛ و ۲. دوست دارد گذشته‌اش را تغییر دهد.

مادران باید در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد که به ترتیب از یک تا ۵ نمره به آن‌ها داده می‌شد) مشخص می‌کردند که فرزندشان تا چه حد هر یک از ویژگی‌های مطرح شده را دارا است. شیوه نمره‌گذاری پرسشنامه‌های پژوهشی بدین صورت بود که برای به دست آوردن نمره مربوط به هر مقیاس نمره همه عبارات مربوط به آن مقیاس با هم جمع شدند. در این پژوهش، پیش‌بینی بر آن بود که به دنبال آموزش، نمره کودکان در مقیاس خشم، احساس گناه و اضطراب پس از آموزش کاهش پیدا کند. همچنین سؤالات مربوط به سازگاری طوری طراحی شده بود که عدم سازگاری کودک را نشان می‌داد و پیش‌بینی می‌شد که این عدم سازگاری پس از آموزش کاهش یابد؛ اما در مقیاس نیاز عاطفی سؤالات طوری طراحی شده است که پیش‌بینی می‌شد که نمره نیاز عاطفی پس از آموزش افزایش یابد.

شیوه اجرا جلسات آموزش رفتار با کودکان طلاق به شرح زیر بود:

جلسه اول	آشنایی با شرکت‌کنندگان و برقراری رابطه، آشنایی با روش کار و ساختار جلسات، اجرای پیش‌آزمون، تبیین طلاق و آسیب‌های آن برای زوجین و به‌خصوص کودکان، تبیین تأثیر طلاق و آسیب‌های آن بر روی کودکان سنین بین ۶-۱۲ سال.
جلسه دوم	سازگاری را تعریف کند، ابعاد مختلف سازگاری را بیان کند. تبیین عوامل مؤثر سازگاری کودک با طلاق، ارائه راهکار افزایش سازگاری.
جلسه سوم	تعریف حل مسئله را بدانند. مراحل حل مسئله را بدانند. تمرین مهارت حل مسئله.
جلسه چهارم	اضطراب چیست. عوامل زمینه‌ساز ایجاد اضطراب را بدانند. پیامدهای اضطراب را بدانند.
جلسه پنجم	ریلکسیشن چیست. راهبرد آرمیدگی عضلانی بیان شود. راهبرد تنفس عمیق را بدانند. توانایی انجام آرمیدگی عضلانی و تنفس عمیق را داشته باشد.
جلسه ششم	خشم چیست. آشنایی با علت خشم. پیامدهای منفی خشم و تأثیرات خشم بر کودکان را بدانند. شناخت موقعیت خشم و افکار منطقی جایگزین.
جلسه هفتم	شناخت موقعیت و افکار غیرمنطقی در موقعیت خشم، بیان جایگزین کردن افکار منطقی مناسب، آموزش مهارت صحبت کردن و گفت‌وگوی مؤثر
جلسه هشتم	احساس گناه چیست. تبیین دلایل ایجاد احساس گناه، نشانه‌های احساس گناه در کودک چیست. آموزش سبک فرزند پروری
جلسه نهم	شیوه‌های فرزند پروری چیست؟ ارائه راهکار کاهش احساس گناه در کودک.
جلسه دهم	نقش خانواده در نیاز عاطفی را بدانند. نیاز عاطفی چیست. تبیین آثار عاطفی طلاق بر روی کودک تبیین نیاز عاطفی کودک طلاق
جلسه یازدهم	بیان نیاز عاطفی کودک، آموزش نیازهای عاطفی به مادران
جلسه دوازدهم	مرور مختصری بر جلسات گذشته را بیان کند. بتواند یک مسئله را با استفاده از مهارت‌های فراگرفته‌اند را تحلیل کنند. اجرای پس‌آزمون

تحلیل داده‌های این پژوهش در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام شد. میانگین و انحراف معیار نمرات رفتار با کودکان طلاق در مؤلفه‌های مختلف پژوهش حاضر که شامل مشکلات خشم، اضطراب، نیاز عاطفی، سازگاری و احساس گناه دو گروه آزمایش و کنترل در دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار نمرات رفتار با کودکان طلاق در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون پیش از تحلیل کوواریانس به تفکیک دو گروه آزمایش و کنترل

شاخص	آزمون	گروه آزمایش		گروه کنترل	
		میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
خشم	پیش‌آزمون	۳۳/۴۰۰	۲/۹۹۵۲۳	۳۴/۳۳۳۳	۳/۱۷۷۳۰
	پس‌آزمون	۱۹/۰۰۰	۳/۰۷۰۶۰	۳/۶۶۶۷	۴/۲۵۳۸۵
اضطراب	پیش‌آزمون	۳۲/۸۰۰	۳/۲۷۷۶۳	۳۳/۲۶۶۷	۳/۱۲۷۴۵
	پس‌آزمون	۱۸/۶۶۶۷	۲/۲۲۵۳۹	۳۱/۴۶۶۷	۳/۱۸۱۷۹
نیاز عاطفی	پیش‌آزمون	۴۰/۸۶۶۷	۷/۱۸۰۰۰	۳۸/۲۶۶۷	۴/۲۶۷۲۶
	پس‌آزمون	۶۲/۹۳۳۳	۲/۵۷۶۴۵	۳۹/۰۶۶۷	۳/۹۳۶۴۰
سازگاری	پیش‌آزمون	۴۸/۹۳۳۳	۵/۴۹۶۳۲	۴۶/۷۳۳۳	۶/۶۵۹۷۶
	پس‌آزمون	۳۲/۷۳۳۳	۳/۹۷۲۵۲	۴۶/۵۳۳۳	۳/۳۱۳۷۵
احساس گناه	پیش‌آزمون	۳۵/۲۰۰	۲/۵۹۶۷۰	۳۵/۴۰۰	۴/۵۱۶۶۴
	پس‌آزمون	۲۱/۶۰۰	۲/۹۷۱۲۹	۳۰/۶۰۰	۳/۰۱۸۹۹

کنترل در سطح پایین‌تری قرار گرفته‌اند. همین‌طور آزمودنی‌های گروه آزمایشی در متغیر نیاز عاطفی با کسب میانگین نمره ۶۲/۹۳ در مقایسه با گروه کنترل در سطح بالاتری قرار گرفته است. در جدول ۲ این آمار به‌طور کلی بیان شده است.

این جدول میانگین نمرات آزمودنی‌های گروه آزمایش و کنترل در رفتار با کودکان طلاق را به تفکیک متغیرهای مختلف را بررسی کرده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود آزمودنی‌های گروه آزمایشی با کسب میانگین نمره ۱۹/۰۰، ۱۸/۶۶، ۳۲/۷۳ و ۲۱/۶۰ به ترتیب در متغیرهای خشم، اضطراب، عدم سازگاری و احساس گناه در مقایسه با گروه

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار نمرات رفتار با کودکان طلاق در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون پیش از تحلیل کوواریانس به تفکیک دو گروه آزمایش و کنترل

شاخص	آزمون	گروه آزمایش		گروه کنترل	
		میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
رفتار با کودکان طلاق	پیش‌آزمون	۱۹۱/۲۰	۹/۳۸	۱۸۸/۰۰	۱۲/۲۰
	پس‌آزمون	۱۵۴/۹۳	۶/۷۸	۱۸۱/۳۳	۷/۴۷

۰.۰۵ است و فرض همگنی واریانس‌ها رعایت شده است. همچنین برای بررسی نرمال بودن از آزمون‌های شاپیروویلک و کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شد که نشان‌دهنده وضعیت نرمال بود، بنابراین با توجه به تأیید شدن پیش‌فرض‌های نرمال بودن متغیرهای پژوهش، برابری واریانس‌ها، همگنی رگرسیون، استفاده از آزمون پارامتریک تحلیل کوواریانس بلامانع است.

قبل از اجرای آزمون تحلیل کوواریانس تک‌متغیره ابتدا فرض همگنی شیب رگرسیون و همگنی واریانس‌ها بررسی شد. نتایج نشان داد که تفاوت معناداری بین دو گروه در نمرات پیش‌آزمون مشاهده نمی‌شود ($F=4.91$ و $P=0.001$) پس داده‌ها از فرضیه همگنی شیب رگرسیون پشتیبانی می‌کند. برای بررسی مفروضه برابری واریانس‌ها از آزمون لوین استفاده شد. نتایج نشان داد که سطح معناداری بیشتر از

جدول ۳. آزمون تحلیل کوواریانس برای مقایسه میانگین نمرات پیش‌آزمون گروه آزمایش و کنترل رفتار با کودکان طلاق

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	مربع میانگین	F	معنی داری	مجذور سهمی اتا
پیش‌آزمون رفتار با کودکان طلاق	۱۳/۵۲۶	۱	۱۳/۵۲۶	۰/۲۵۹	۶۱۵	۰/۱۵۰
گروه	۵۰۳۰/۰۹۹	۱	۵۰۳۰/۰۹۹	۹۶/۱۳۴	۰/۰۰۱	۰/۸۵۶

نتایج آزمون تحلیل کوواریانس تک‌متغیره جدول نشان داد با کنترل نمره پیش‌آزمون، رفتار با کودکان طلاق در دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معنی‌داری مشاهده شده است. (۰/۸۵ = مجذور سهمی اتا، $F=96/134, P<0/05$)؛ بنابراین آموزش رفتار با کودکان طلاق در مادران در مرحله پس‌آزمون اثربخش بوده است و باعث افزایش آگاهی مادران شده است و با توجه به مجذور سهمی اتا که مقدار آن ۰/۸۵ است.

جدول ۴. آزمون تحلیل کوواریانس برای مقایسه میانگین نمرات پیش‌آزمون گروه آزمایش و کنترل رفتار با کودکان طلاق

منبع تغییرات	متغیر	مجموع مربعات	درجه آزادی	مربع میانگین	F	معنی داری	مجذور سهمی اتا
خشخ	پیش‌آزمون	۰/۸۰۶	۱	۰/۸۰۶	۰/۰۵۷	۰/۸۱۴	۰/۱۵۵
	گروه	۱۵۶۳/۷۹۶	۱	۱۵۶۳/۷۹۶	۱۰۹/۸۰۴	۰/۰۰۱	۰/۳۹۴
اضطراب	پیش‌آزمون	۸/۶۵۴	۱	۸/۶۵۴	۱/۱۵۴	۲۹۲	۰/۰۷۵
	گروه	۱۲۳۷/۳۶۶	۱	۱۲۳۷/۳۶۶	۱۶۵/۰۵	۰/۰۰۱	۰/۵۰۸
نیاز عاطفی	پیش‌آزمون	۰/۳۴۷	۱	۰/۳۴۷	۰/۰۳۰	۰/۸۶۳	۰/۲۲۲
	گروه	۴۰۷۷/۹۹۳	۱	۴۰۷۷/۹۹۳	۳۵۵/۷۳۱	۰/۰۰۱	۰/۷۳۰
سازگاری	پیش‌آزمون	۲/۳۸۲	۱	۲/۳۸۲	۰/۱۷۳	۰/۶۸۱	۰/۱۸۳
	گروه	۱۴۰۱/۴۰۵	۱	۱۴۰۱/۴۰۵	۱۰۱/۶۳۷	۰/۰۰۱	۰/۶۵۸
احساس گناه	پیش‌آزمون	۲/۳۰۶	۱	۲/۳۰۶	۰/۲۵۰	۰/۶۲۱	۰/۰۲۸
	گروه	۶۰۴/۹۲۱	۱	۶۰۴/۹۲۱	۶۵/۶۲۲	۰/۰۰۱	۰/۷۱۵

آزمون تحلیل کوواریانس تک‌متغیره جدول ۴ نشان می‌دهد که این تفاوت به لحاظ آماری ($P<0/01$) کاملاً معنی‌دار است.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش با توجه به تهیه پروتکل آموزشی، فرایند و تکنیک آموزش‌های مختلف، گروه آزمایش در رفتار با

کودکان طلاق باعث افزایش آگاهی مادرانشان در زمینه چگونگی برخورد با کودکانشان شد و روند رو به بهبودی داشت. نتایج نشان داد که اجرای برنامه مداخله ویژه مادران طلاق بر کاهش مشکلات کودکان طلاق تأثیر مثبت معنادار داشت. این نتایج با یافته‌های پژوهشی پدروکارول (۲۰۰۵) همسو است که نشان داد کودکان طلاق که در برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق شرکت کردند سازگاری

و آرامش جسمی و روانی را تا حدودی به کودک برگرداند. این نتایج با نتایج پژوهش لیچسنرینگ و همکاران (۲۰۱۰)؛ وارنر و همکاران (۲۰۰۹) همسو است.

کودکی که از پدر یا مادر جدا شده از مهر و نوازش دو طرف سیراب نیست و اغلب با تشنگی عاطفی مواجه است و ممکن است برای تأمین این نیاز با مشکلاتی روبه‌رو شوند به همین منظور هر دو والد باید در جهت تأمین این نیاز تلاش کنند. در این پژوهش ما نیازهای عاطفی این کودکان را در ابعاد (محبت، نوازش، تأیید کردن، تجربه‌های مشترک، هدیه دادن، تشویق کردن، اعتماد و احساس امنیت) مورد بررسی قرار دادیم (ستیر، ۱۹۹۱) و برجسته ساختیم. آموزش این مداخله در افزایش آگاهی مادران در زمینه چگونگی برطرف کردن نیازهای عاطفی کودکان و توانایی آن‌ها در به کار بستن این شیوه در کودکان خود افزایش پیدا کرده و تأثیرگذار بوده است. نتایج این تحقیق با یافته‌های بروفی و همکاران (۲۰۱۱)؛ هوایرست و همکاران (۲۰۱۰)، هریس (۲۰۰۹)، بروباچر (۲۰۰۶) همسو است.

حضور والدین با هم بر رشد اجتماعی، رشد عاطفی و روانی تأثیری بسزا دارد و می‌توان گفت که فرزندان طلاق از کم‌ترین حمایت و توجه اجتماعی برخوردارند. لذا عدم حضور والدین باعث به هم خوردن سازگاری اجتماعی و عاطفی می‌شود (گانتری، ۲۰۱۱). عوامل زیادی در دستیابی به سازگاری مؤثرند که یکی از آن‌ها مهارت حل مسئله است که از آن به‌عنوان یکی از مهارت‌های حیاتی برای زندگی در عصر حاضر یاد می‌شود. در اغلب جوامع همه بر این باورند که باید بر افزایش این مهارت تأکید شود (کالیسکان، سلکوک و ارول، ۲۰۱۰). آموزش این مداخله در افزایش آگاهی مادران در زمینه سازگاری (تحصیلی، اجتماعی، عاطفی) کودکان و توانایی آن‌ها در کاربرد مهارت حل مسئله افزایش پیدا کرده و تأثیرگذار بوده است. این نتایج با نتایج پژوهش نرو و نرو (۲۰۱۳)؛ پیرس و گان (۲۰۱۰) و جوناسن (۲۰۰۷) همسو است.

اغلب کودکانی که پدر و مادرانشان از هم جدا می‌شوند دچار احساس گناه می‌شوند، زیرا آن‌ها فکر می‌کنند که نقش بسیار مهمی در انتخاب این راه داشته‌اند و اگر احساس گناه با آن‌ها بماند آنان را دچار عواقب شدید عاطفی می‌کند. به همین منظور صحبت کردن در مورد علت جدایی و توجیه

بیشتری با مشکلات پس از طلاق پیدا کردند و توانمندی‌شان در رویارویی با احساسات و حل مشکلات به‌طور معناداری بهبود یافت و در نهایت به کاهش مشکلات این کودکان منجر شده بود (پدروکارول، آلپرت گیلیس و کوئن، ۱۹۸۹). پدروکارول، آلپرت گیلیس و کوئن (۱۹۸۹) نیز اثربخشی این برنامه را روی کودکان دبستانی بررسی کردند و نشان دادند پس از اجرای این مداخله، علاوه بر اینکه سازگاری این کودکان با طلاق والدینشان افزایش یافته بود، عواطف و نگرش‌هایشان نسبت به مسئله طلاق نیز بهبود یافته بود که این خود به کاهش مشکلات هیجانی و رفتاری آن‌ها منجر شده بود. پژوهش‌های دیگری نیز خاطر نشان می‌کنند که اجرای برنامه مداخله‌های ویژه کودکان طلاق روی کودکان طلاق دبستانی بر کاهش مشکلات رفتاری، پرخاشگری و مشکلات آن‌ها تأثیر بسزایی دارد (پدروکارول، ۲۰۱۱)؛ پدروکارول، ساتن و ویمن، ۱۹۹۹).

خشم، احساسی متداول در میان کودکان طلاق است که در اثر عدم درک یا پذیرش این مسئله روی می‌دهد. شیوه ابراز و نگرش ما به خشم نیز مسئله را پیچیده‌تر می‌کند، به همین منظور شیوه برخورد با این مشکل کودکان طلاق باید هوشمندانه باشد. روش گفت‌وگوی مؤثر (ارتباط و مذاکره) یکی از مهارت‌های کنترل خشم (کلینکه، ۱۹۹۸) و روش دیگر روش عقلانی-عاطفی-رفتاری آلیس است که اساس آن بر کاهش پرخاشگری، بازسازی شناختی و کنترل خشم استوار گردیده است (آلیس، ۱۹۹۸) که به‌کارگیری این روش‌ها برای کودکان از طریق مادر می‌تواند بسیار مؤثر واقع شود. نتایج این تحقیق با پژوهش استوریو و همکاران (۲۰۱۱)؛ هیوانگ و همکاران (۲۰۱۵)؛ اسمیت‌ها و همکاران (۲۰۱۴)؛ و چویی و ووکیونگ، (۲۰۱۵)؛ ایواساکا و همکاران (۲۰۱۲) همسو است.

در طلاق، اضطراب مضاعفی وجود دارد؛ ترس کودک از احساسات طردشدگی، تغییرات در شرایط زندگی، خجالت، گناه، نگرانی در رابطه با جدایی‌های بعدی و ترس ماندگار از مشکل ناشناخته بعدی از اضطراب نشأت می‌گیرد که در آینده‌ای نزدیک در کمین نشسته است (میلر، ۲۰۱۱). از این رو با توجه به این مشکلات و اضطرابی که برای کودکان ایجاد می‌شود روش‌های آرام‌سازی از جمله ریلکسیشن و تنفس عمیق در کاهش این اضطراب می‌تواند بسیار مؤثر واقع شود

ساروخانی، ب. (۱۳۸۹). طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت عوامل آن. تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

شیرودی، ش؛ خلعتبری، ج؛ تودار، ر؛ مبلغی، ن؛ و صالحی، م. (۱۳۸۹). مقایسه اثربخشی روش های آموزش مهارت ابراز وجود و حل مسأله بر سازگاری و پرخاشگری دانش آموزان دختر سال اول متوسطه. یافته های نو در روان شناسی، تابستان، (۱۵): ۲۶-۷.

عباسی نیا، م. (۱۳۸۲). بررسی میزان تأثیر آموزش خانواده بر افزایش آگاهی والدین نسبت به تربیت فرزندانشان در دوره ابتدایی در استان قم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.

علیرضایی مطلق، م و اسدی، ز. (۱۳۸۸). تأثیر رفتار درمانی شناختی در کاهش اضطراب دختران نوجوان با اختلال اضطراب فراگیر. پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، (۱)۹، ۲۵-۳۴.

قادری، ز (۱۳۸۷). بررسی اثربخشی اجرای الگوی خانواده درمانی ستیر بر تغییر سبک های مقابله با تعارض و افزایش سازگاری زناشویی در سال های اول ازدواج در زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره شیراز، پایان نامه دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات واحد تهران.

کلینکه، کریس. ال. (۱۹۹۸)، مهارت های زندگی (ترجمه شهرام محمدخانی)، تهران، انتشارات اسپند مهر.

مرادویسی، ل (۱۳۸۰). مقایسه ساختار روانی دو گروه از دانش آموزان پسر دارای ناپدری و نامادری با دانش آموزان پسر خانواده های معمولی، دانشگاه علامه طباطبایی.

نصر اصفهانی، ا و بهجتی اردکانی، ف و فاتحی زاده، م. (۱۳۸۳). بررسی تأثیر فرهنگ بر آمار پایین طلاق در شهرهای میبد، یزد و اردکان. چکیده مقالات اولین کنگره آسیب شناسی خانواده در ایران دانشگاه شهید بهشتی (ره).

Amato, P. R., & Sobolewski, J. M. (2011). The effects of divorce and marital discord on adult children's psychological well-being. *American Sociological Review*, 900-921.

Bell, A. C., & D'Zurilla, T. J. (2009). Problem-solving therapy for depression: a meta-analysis. *Clinical psychology review*, 29(4), 348-353.

Bernardelli, S. (2011). When Parents Divorce: A Protocol Suggestion in Cases of Adversial Divorces. *Journal of Psychology Research*, ISSN, Vol. 1, No. 5, 310-311.

Berry, L. S., Stoyles, G., & Donovan, M. (2010). Post-separation parenting education in a Family Relationship Centre: A pilot study exploring the impact on perceived parent-child relationship and acrimony. *Journal of Family Studies*, 16(3), 224-236.

Brentano, C. & Clarke- Stewart, A. (2011). Divorce: Causes and Consequences (Current Perspectives in

کردن آن ها که شما علت جدایی نبوده اید می تواند کمک بزرگی به کاهش این حس و کنار آمدن با این مشکل باشد (برناردلی، ۲۰۱۱). کودکان در این روش آگاهی بیشتری نسبت به احساسات خود پیدا کردند و سوء برداشت های آن ها نسبت به موضوع طلاق در مقایسه با گروه کنترل کاهش یافته است و این موارد به کاهش خود سرزنشگری و احساس گناه منجر شده است و احساس بهتری به خود پیدا کردند.

نتایج این پژوهش با نتایج (ولچیک و ساندلر، ۲۰۱۱) و (برناردلی، ۲۰۱۱) همسو است. با توجه به این که پژوهش حاضر فقط در مورد آموزش به مادران طلاق بود لذا به پژوهشگر در آینده پیشنهاد می شود این پروتکل در مورد پدران طلاق نیز تهیه شود. با توجه به محدود بودن زمان انجام پروژه در اینجا فقط به مشکلات اصلی و بارزتر کودکان طلاق پرداختیم، به همین منظور به محقق در آینده پیشنهاد می شود که به دیگر مشکلات این کودکان نیز بپردازد. در این پروژه به مشکلات کودکان طلاق با دوره سنی بین ۶-۱۲ ساله پرداختیم، پیشنهاد می شود که پژوهشگران آینده این بسته را در مورد نوجوانان طلاق هم تهیه کنند. در پژوهش های آینده همین طور به تفکیک جنسیتی کودکان نیز پرداخته شود. یکی از محدودیت های پژوهش حاضر با توجه به در دسترس بودن مادران این بود که این پروژه فقط برای مادران تهیه شد و در اینجا از تهیه این بسته برای پدران بازماندیم. محدود بودن نمونه ها با داشتن شرایط دارا بودن کودکان سنین ۶-۱۲ سال و همین طور محدود بودن زمان برای دوره پیگیری اثرات این آموزش یکی دیگر از این محدودیت ها بود.

منابع

دلاور، ع. (۱۳۹۳). روش تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی، تهران، نشر ویرایش.

زیوری، م. (۱۳۸۹). تأثیر ساخت خانواده (بالنده و آشفته) بر سلامت روان دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

ساجدی، ژ و حبیبی، ز. (۱۳۸۶). بررسی و مقایسه مشکلات رفتاری کودکان سن دبستان خانواده های با یا بدون وقوع طلاق در دبستان های شهر همدان. فصل نامه اصول بهداشت روانی، شماره ۵: ۱۲-۱۵.

- Psychology) (1st Ed). New Haven: Yale University Press.
- Brewer, M. M. (2010). *The effects of child gender and child age at the time of parental divorce on the development of adult depression* (Doctoral dissertation, Walden University).
- Brubacher, L. (2006). Integrating emotion-focused therapy with the Satir model. *Journal of marital and family therapy*, 32(2), 141-153.
- Butler, G., Fennell, M., Robson, P., & Gelder, M. (1991). Comparison of behavior therapy and cognitive behavior therapy in the treatment of generalized anxiety disorder. *Journal of consulting and clinical psychology*, 59(1), 167-175.
- Choi, E. S., & Lee, W. K. (2015). Comparative effects of emotion management training and social skills training in Korean children with ADHD. *Journal of attention disorders*, 19(2), 138-146.
- Durham, R. C., Chambers, J. A., Macdonald, R. R., Power, K. G., & Major, K. (2002). Does cognitive-behavioral therapy influence the long-term outcome of generalized anxiety disorder? A 8-14 year follow-up of two clinical trials. *Psychological Medicine*, 33(03), 499-509.
- Ellis, A. (1998). *Anger, how to live with and without it*. New York: JAICO publishing bous.USA.
- Feindler, E. I., & Weisner, S. (2006). Yout anger management treatment for school violence prevention.
- Frieman, B. B. (2013). Children of divorced parents: Action steps for the counselor to involve fathers. *Elementary School Guidance & Counseling*, 28(3), 197-205.
- Gilman, J., Schneider, D., & Shulak, R. (2005). Children's ability to cope post-divorce: The effects of kids' turn intervention program on 7 to 9 year olds. *Journal of Divorce & Remarriage*, 42(3-4), 109-126.
- Gunty, Buri. (2011), *Parental Practices and the Development of Maladaptive Schemas Online Submission, Paper presented at the Annual Meeting of the Midwestern Psychological Association. (Chicago, IL, May 2011). 33 pp.*
- Harris, B. H., Reynoso, J. S., Meehan, K. B., Ueng-McHale, J. Y., & Tuber, S. (2009). A child with ADHD: Convergences of Rorschach data and case material. *Journal of Infant, Child, and Adolescent Psychotherapy*, 5(4), 499-517.
- Havighurst, S. S., Wilson, K. R., Harley, A. E., Prior, M. R., & Kehoe, C. (2010). Tuning in to Kids: improving emotion socialization practices in parents of preschool children—findings from a community trial. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 51(12), 1342-1350.
- Jonassen, D. (2007). Engaging and supporting problem solving, Toward a science of distributed learning: pp. 185-207.
- Kelly, Joan. B. (2012). Childrens' Adjustment in Conjuncted Marriage and Divorce, A Decade Review of Research, *Journal of The American Academy of Child and Adolescent Psychiatry* Vol39. 963-973.
- Kim, Hyunsik. (2014) Pediatrics; children of divorce fall behind peers is math, social skills. *american sociological Review*. 50. 35-45.
- Lindsay, W. R., Gamsu, C. V., McLaughlin, E., Hood, E. M., & Espie, C. A. (1987). A controlled trial of treatments for generalized anxiety. *British Journal of Clinical psychology*, 26(1), 3-15.
- McCabe, K. M. (2009). Sex differences in the long term effects of divorce on children: Depression and heterosexual relationship difficulties in the young adult years. *Journal of Divorce & Remarriage*, 27(1-2), 123-135.
- Nezu, A. M., Nezu, C. M., & D'Zurilla, T. (2013). *Problem-solving therapy: A treatment manual*. Springer Publishing Company.
- Nikkary, D., & Harter, S. (1994). *The antecedents of behaviorally-presented self-esteem in young children Unpublished manuscript: university of Denver: Denver. Co.*
- Pamela, A. K., & Gail, G. S. (1998). Easing the Pain of Divorce through Children Literature. *Early Childhood Education Journal*, 26, 2.
- Pedro-Carroll, J. L., & Alpert-Gillis, L. J. (1997). Preventive interventions for children of divorce: A developmental model for 5 and 6 years old children. *Journal of Primary Prevention*, 18(1), 5-23.
- Pedro-Carroll, J. L. (2005). Fostering Resilience in the Aftermath of Divorce: The Role of Evidence-Based Programs for Children. *Family Court Review*, 43(1), 52-64.
- Pedro-Carroll, J. L., Alpert-Gillis, L. J., & Cowen, E. L. (1992). An evaluation of the efficacy of a preventive intervention for 4th-6th grade urban children of divorce. *Journal of Primary Prevention*, 13(2), 115-130.
- Pedro-Carroll, J. L., Sutton, S. E., & Wyman, P. A. (1999). A two-year follow-up evaluation of a preventive intervention for young children of divorce. *School Psychology Review*, 28(3), 467.
- Pierce, D., & Gunn, J. (2011). Depression in general practice: consultation duration and problem solving therapy. *Australian family physician*, 40(5), 334.
- Satir, V. (1991). *The Satir Model: Family Therapy and beyond*. Palo Alto, ca: science and behavior books.
- Spigerman, G, Amispiqelman & Englesson. (2010). Hostility, Aggression & divorce children as manifested in their responses to projective test. *Journal & Personality assessment*, 56(3):438-452.
- Wolchik, S. A., Sandler, I. N., Millsap, R. E., Plummer, B. A., Greene, S. M., Anderson, E. R., et al. (2011). Six year follow up of a preventive intervention for children of divorce: A randomized control trial. *The Journal of the American Medical Association*, 288, 1874 1881.